

آینده پژوهی تجارت خارجی ایران و افغانستان

علی سعیدی^۱ | میرزا حسن صالحی^۲

چکیده

باتوجه به تغییرات بسیار سریع محیطی و عدم اطمینان حاصل از آن، ضرورت آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی برای مقابله با تغییرات احتمالی آتی، بیش از پیش روشن می‌گردد. تجارت خارجی به‌عنوان پیشران تولید و توسعه اقتصادی و درگیری با متغیرهای متعدد، نیاز زیادی به آینده‌پژوهی و بررسی سناریوهای محتمل در آینده دارد. مقاله حاضر به آینده‌پژوهی تجارت خارجی ایران و افغانستان به‌عنوان دو کشور همسایه با ظرفیت‌های فرهنگی و اقتصادی و ترانزیتی متعدد پرداخته است. هدف تحقیق، شناسایی عوامل مؤثر در روابط تجاری دو کشور است که در ابتدا با استفاده از روش تأثیر متقابل، عوامل کلیدی مؤثر بر آینده تجارت میان ایران و افغانستان احصا شده است و سپس با استفاده از روش سناریونگاری، سناریوهای آتی در تجارت خارجی ایران و افغانستان بررسی و ارزیابی شده است. داده‌های اولیه از طریق مرور مطالعات و پیشینه تحقیق جمع‌آوری شده و در قالب پرسش‌نامه، اهمیت هر یک از عوامل نسبت به یکدیگر مشخص شد. سپس از میان نوزده عامل مؤثر، چهار عامل مهم‌تر شناسایی شد که عبارت‌اند از بی‌ثبات سیاسی در افغانستان، رویکرد دولت‌های ایران نسبت به غرب، زیرساخت‌های افغانستان و نهایتاً فرصت‌های همسایگی. سپس وضعیت‌های مختلف این عوامل کلیدی تعیین شد و نظرات خبرگان درباره میزان تأثیر این وضعیت‌ها بر یکدیگر در پرسش‌نامه عدم قطعیت وارد نرم‌افزار سناریوویزارد گردید. با تجزیه و تحلیل نرم‌افزار سناریو ویزارد، چهار سناریو با سازگاری بالا درباره آینده تجارتی میان دو کشور ایران و افغانستان ارائه و سپس تحلیل شد.

کلید واژه‌ها: آینده‌پژوهی، تجارت خارجی، ایران، افغانستان.

طبقه‌بندی JEL: F2, F1, F170

DOR:

a.saeedi@qom.ac.ir

mirzasalehi@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، ایران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ایران

مقدمه و بیان مسئله

مبادله آزاد، عادلانه و متقابل کالا و خدمات بین دو کشور تحت عنوان تجارت خارجی و بین‌المللی یاد می‌شود. تجارت خارجی برای کشورها این امکان را فراهم می‌سازد که به بازارهای بزرگ‌تر و جهانی دسترسی داشته باشند و از منابع بالقوه آن بازارها استفاده کنند (آدس و گلسر، ۱۹۹۹). تجارت در جهان همیشه یکی از عوامل و موتور رشد اقتصادی در جوامع بشری بوده است (آنا دیکسون، ۱۹۹۷). جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات تولیدات داخلی برای هر کشور یکی از محورهای اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. ایران با داشتن نقاط مشترک دینی، زبانی، فرهنگی و جغرافیایی با کشور افغانستان دارای مزیت‌های نسبی و مطلق فراوان در مقایسه با سایر کشورهای فعال در حوزه تجارت خارجی با افغانستان است. استفاده از این مزیت‌ها و ظرفیت‌ها در صورت برنامه‌ریزی هدفمند موجب می‌شود که ایران بتواند بیشترین سهم در تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل با کشور افغانستان را به دست آورد (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). ایران یکی از شرکای مهم تجاری افغانستان است و در خطوط تولیدی صنایع متوسط و کوچک افغانستان نقش مؤثر ایفا می‌کند. صادرات ایران به افغانستان به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. ایران و افغانستان دو کشور همسایه که طولانی‌ترین مرزهای زمینی را در میان همسایگان خود دارند، می‌توانند روابط تجاری و اقتصادی گسترده‌ای داشته باشند (قلندر، ۱۳۹۲). با وجود زمینه‌های هم‌جواری، زبانی، فرهنگی و اجتماعی مناسبات تجاری و بازرگانی در آینده بین کشور ایران و افغانستان از اهمیت دوچندان برخوردار است. شکی نیست که دو کشور ایران و افغانستان به داشتن روابط تجاری خوب و کارآمد نیازمند هستند در حالی که هیچ مدیر و مسئول مرتبط با موضوع از هر دو کشور نمی‌تواند بگوید که روابط تجاری این دو کشور در سطح خوب، مطلوب یا عالی است. بنابراین ضروری است که عوامل مؤثر و کلیدی بر تجارت خارجی ایران و افغانستان شناسایی شود تا بر مبنای آن بتوان سناریوهای آتی محتمل و مطلوب را در تجارت خارجی ایران و افغانستان بازسازی و ارزیابی کرد. در این مقاله ابتدا سعی می‌شود با مرور مطالعات انجام شده در این زمینه، عوامل مؤثر بر تجارت بین ایران و افغانستان شناسایی و با استفاده از نظرسنجی نخبگانی، اولویت‌بندی شوند. سپس سناریوهای مختلف بررسی خواهند شد.

چهارچوب نظری

خدای متعال دوچشم انسان را در پیش روی خلقت کرد تا همواره نگاه به جلو داشته باشد. شاید این تعبیر خوبی برای لزوم توجه انسان به آینده باشد. توجه به آینده همواره در ذهن بشر بوده است. آینده‌پژوهی نگرش علمی بشر به مسئله و کشف آینده است. آینده‌پژوهی شامل مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از عوامل تغییر یا ثبات، الگوها، تجربه و تحلیل منابع به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد (مرحمتی، ۱۳۹۱، ۱۷). بنابراین آینده‌پژوهی به این موضوع می‌پردازد که چگونه از دل تغییرات و تحولات امروز، واقعیت فردا تولد می‌یابد (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲). آینده‌پژوهان آینده را پیش‌بینی نمی‌کنند بلکه از طریق ترسیم و تحلیل آینده‌های بدیل تلاش می‌کند تا فضای ممکنات آینده را پوشش داده و تا حد امکان عدم قطعیت را مدیریت کند (رضایی، ۱۴۰۰، ۴۵). در واقع استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی می‌تواند وضعیت‌ها و سناریوهای مختلف پیش رو را شناسایی کند و سیاست‌گذاران و کنشگران را به اتخاذ تصمیمات درست راهنمایی کند.

آینده‌پژوهی در فرهنگ‌های مختلف از سنت‌های گوناگونی پیروی می‌کند آنچنانکه در فرهنگ تجربه‌گرایانه آمریکایی از آن به آینده‌پژوهی مرسوم، در فرهنگ سنت‌گرایانه اروپایی تحت عنوان آینده‌نگاری، در فرانسه به طور اخص آینده‌نگری، در فرهنگ جنوب شرقی آسیا مبتنی بر سنت استعاره‌ها و اسطوره‌ها و در ژاپن متأثر از روایتی به نام نیرا یاد می‌شود. البته دانشمندی همچون ضیاءالدین سردار و اکرام اعظم پاکستانی و مهدی المنجری مراکشی نیز سعی کرده‌اند آینده‌پژوهی اسلامی را شکل دهند (حیدری، ۱۳۹۳).

آینده‌پژوهی حوزه‌پژوهشی نسبتاً جدیدی است که قلمرو آن، همه عرصه‌های معرفت‌نظری و تکاپوهای علمی ادمی را در می‌نوردد و نتایج حاصل از آن می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در هر یک از این عرصه‌ها داشته باشد (گوهری فر، ۱۳۹۴). آینده‌پژوهی در صدد پیش‌بینی آینده نیست بلکه در جستجوی شناسایی علل آینده، طرح پرسش‌های غالباً متفاوت فراروی تحلیل‌های غالب و ارتقای مبانی معرفتی از طریق اعمال فرایندهای صحیح اندیشه‌ورزی است. ارزش آینده‌پژوهی در اثربخشی آن در گشایش اذهان به‌منظور لحاظ احتمالات علیّ جدید و عمیق و همچنین در تغییر دستورالعمل سیاستی نهفته است (کميجانی، عیوضی، ۱۳۹۹).

آینده پژوهان به بسیاری از گزینه‌های مختلف در آینده ممکن، محتمل یا ارجح باور دارند. بنابراین آینده پژوهان نه تنها علاقه‌مندند که آینده محتملی را که از بسط روند گذشته به آینده به دست می‌آید مطالعه و بررسی کنند، بلکه به طراحی گزینه‌هایی برای آینده ارجح و همچنین نشان‌دادن روش و چگونگی برنامه‌ریزی برای گذار از زمان حال به آینده مورد نظر نیز می‌پردازند. در نتیجه طیف گسترده‌ای از روش‌های آینده پژوهی ابداع شده است (مرتضی پور، ۱۳۹۸). به کارگیری این روش‌ها می‌تواند تصویرهای مختلفی را بسته به میزان احتمال وقوع، مطلوبیت یا ترکیبی از آن‌ها ترسیم کند. به کارگیری این روش‌ها در عرصه اقتصادی و تجاری می‌تواند راهنمای خوبی برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی باشد.

در روابط بین‌الملل، کشورهای همسایه جزء عمق استراتژیک محسوب می‌شوند به طوری که هر تغییر و تحولی در کشور همسایه به علت مجموعه‌ای از اشتراکات و نزدیکی جغرافیایی، تأثیرات دومینویی بر همسایگان و حتی منطقه دارد (خوش‌مردان، ۱۴۰۰). افغانستان و ایران دو کشور همسایه هستند که طولانی‌ترین مرزهای زمینی را در میان همسایگان خود دارند. ایران و افغانستان پیوندهای ناگسستی بسیاری در زمینه فرهنگ مشترک، دین مشترک، زبان رسمی مشترک و قرابت‌های نژادی دارند و این زمینه‌های مشترک باعث شده است که تحول فکری و اجتماعی در هر یک از این دو کشور اثر عمیقی بر روابط تجاری و حوزه جغرافیایی دیگری بر جا بگذارد. این اشتراکات می‌تواند زمینه‌ساز روابط تجاری و اقتصادی در سطحی عالی باشد (نبی زاده، ۱۳۹۱).

افغانستان با مساحت تقریبی حدود ۶۵۰،۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت با حدود ۳۶ میلیون جمعیت و داشتن ۹۳۰ هزار کیلومتر مرز مشترک، در بین همسایگان ایران از لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیک از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (عرب پور، ۱۳۹۹). ۹۰ درصد نیازهای افغانستان از خارج و به خصوص از همسایگانش تأمین می‌شود (جابری، ۱۳۹۹). ایران به دلایل مختلف نیازمند گسترش روابط تجاری و اقتصادی با همسایه خود افغانستان است. در سال ۱۳۹۶ نزدیک به ۳/۵ میلیارد دلار حجم مبادلات ایران و افغانستان تخمین زده شده است. مهم‌ترین محصولات صادراتی به افغانستان عبارت است از: مصنوعات چوبی، مبلمان، دکوراسیون، لوازم‌خانگی، حمل‌ونقل، خدمات فنی و مهندسی مخابراتی، ماشین‌آلات و مصالح ساختمانی، صنایع غذایی، الیاف و منسوجات، تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی، موکت و کف‌پوش، مصنوعات پلاستیکی، فرش دستباف و ماشینی، تابلوفرش و صنایع دستی، محصولات آرایشی و بهداشتی، پوست و چرم، پوشاک، نقره، زیورآلات و ... (فرهنگ، ۱۳۹۷).

ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که به افزایش روابط خارجی ایران با سایر کشورها از جمله با کشورهای همسایه تأکید می‌کند، روند همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی کابل - تهران را تحت تأثیر قرارداد و از اهمیت بیشتری برخوردار شد. میزان صادرات ایران به افغانستان از ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ به ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت (رشد پنج برابری) ولی صادرات افغانستان به ایران در این مدت رشد دو برابری داشته است (حق جو، ۱۳۹۷: ۳).

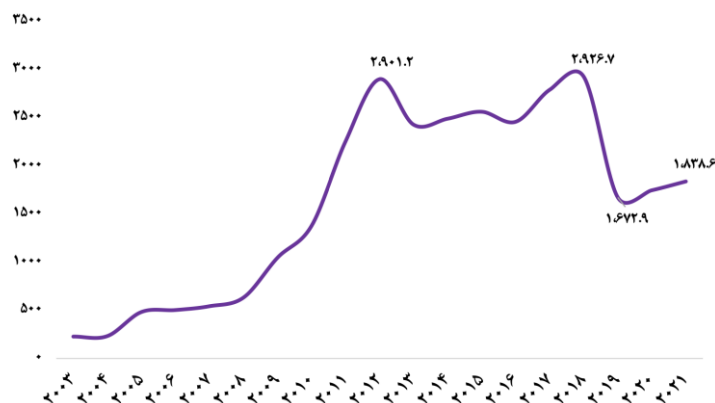
اگرچه سابقه تجارت ایران و افغانستان به زمان قاجار باز می‌گردد اما فراز و نشیب‌های متعدد در دوران قاجار و پس از آن مانع از شکل‌گیری تجارت خارجی قوی میان این دو همسایه شد. با این حال، دهه پنجاه شمسی را می‌توان یکی از بهترین دوران روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان دانست. در زمان حکومت داوودخان در افغانستان به‌ویژه در اواخر حکومت وی، روابط سیاسی و اقتصادی با ایران گسترش چشمگیری یافت (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۳). حجم روابط تجاری بین دو کشور در سال ۱۳۵۰ حدود ۱۰۰ هزار دلار بود که در سال ۱۳۵۵ به حدود یک میلیون دلار رسید (ادوای، ۱۳۹۳: ۱۵۷). کودتای شبه‌کمونستی و سقوط دولت داوودخان و وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، دو واقعه بسیار مهمی بود که هم بر اقتصاد سیاسی ملی دو کشور و هم بر اقتصاد بین‌المللی و خارجی تأثیرات زیادی داشت. بعد از کودتای ۱۳۵۷، افغانستان در دامان اقتصاد مارکسیسم روسی افتاد و طرح‌های عمرانی - توسعه‌ای افغانستان و ایران با سلطه اقتصاد سرمایه‌داری غرب متوقف شد و افغانستان به تدریج به شوری وابسته شد و به کمک شوروی تا سال ۱۳۶۳، بیش از ۱۰۰ پروژه مهم صنعتی و مهندسی در افغانستان احداث کردید (بخشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۵).

بعد از سقوط دولت شبه‌کمونستی در افغانستان و آغاز حکومت مجاهدین (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵) روابط دیپلماتیک تهران - کابل مجدداً برقرار شد و تعاملات بازرگانی ایران و افغانستان از سر گرفته شد. از سوی دیگر، در دهه ۱۳۷۰ گرایش‌های دولت هاشمی رفسنجانی به سمت اقتصاد بازار و عدول از نظام دولتی دهه ۶۰ تحت عنوان سیاست‌های تعدیل ساختاری، منجر به تقویت بخش خصوصی و نیز اقتصادمحور و برون‌گرا شدن سیاست خارجی گردید به گونه‌ای که تلاش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ اقتصادی-صنعتی برای بازاریابی منطقه‌ای و جهانی، زمینه‌ساز گسترش روابط و مناسبات اقتصادی سیاسی ایران با سایر کشورها به‌ویژه در قالب سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای همچون آکو گردید. در همین زمان، بی‌ثباتی‌های سیاسی ناشی از جنگ‌های داخلی در افغانستان، روابط اقتصادی ایران افغانستان را با چالش بزرگی مواجه ساخت و زمینه را برای ظهور اقتصاد سیاسی بنیادگرای طالبان فراهم ساخت. دولت جمهوری اسلامی ایران حکومت طالبان را به رسمیت نشناخت و در نتیجه روابط

دیپلماتیک تهران-کابل به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی قطع شد و روابط تجاری با طالبان بسیار محدود شد (یوسف زهی، ۱۳۹۶).

پس از حمله آمریکا به افغانستان به بهانه حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۱ شهریور ۱۳۷۹)، حکومت طالبان سقوط کرد و دولتی فراگیر به رهبری حامد کرزای در افغانستان مستقر شد. با استقرار شرایط باثبات در افغانستان، ایران تأسیس دولت کارآمد و ملی در آن سوی مرزهای شرقی خود را ارج نهاد و آن را باعث دستیابی به منافع اقتصادی خاصی دانست. بنابراین می توان افغانستان را برای ایران به عنوان منبع تأمین امنیت ملی و منافع اقتصادی خاص تصور کرد (عباسی، و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۴). این وضعیت باعث افزایش تجارت خارجی میان افغانستان و ایران شد و ایران را به عنوان اولین صادرکننده به افغانستان و ششمین کشور واردکننده از افغانستان در سال های اخیر تبدیل کرد. در نمودار زیر میزان صادرات و واردات ایران و افغانستان را در این دوران ملاحظه می کنید.

روند صادرات ایران به افغانستان - میلیون دلار



منبع: معاونت

بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی، ۱۴۰۲

با آشکار شدن آثار خروج دولت آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و اعمال دوباره تحریم ها در تولید ناخالص داخلی ایران، واردات از افغانستان کاهش یافت تا حدی که در سال ۱۳۹۹ به کمتر از نصف سال ۱۳۹۵ کاهش یافت و صادرات ایران به افغانستان نیز تقریباً به میزان یک سوم کاهش یافته است (عسکری کرمانی و صفار، ۱۴۰۱: ۱۰۷). با خروج نیروهای ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا از افغانستان در آگوست ۲۰۲۱ (مرداد ۱۴۰۰) و فتح کابل توسط طالبان، حکومت جمهوری اسلامی

افغانستان سقوط کرد و طالبان تسلط خود را برای نخستین بار از زمان پیدایش خود در سال ۱۳۷۵، بر تمام جغرافیایی افغانستان تثبیت کرد. به‌رغم پیگیری مسائل اقتصادی و حتی برگزاری نشست‌های سیاسی توسط کشورهای مختلف با مقامات طالبان، تاکنون هیچ کشوری حاکمیت طالبان بر افغانستان را به رسمیت نشناخته است. بنابراین چشم‌انداز روابط آینده اقتصادی و تجاری این دو کشور تا حدودی پیچیده به نظر می‌رسد.

پیشینه پژوهش

درباره آینده پژوهی تجارت خارجی ایران و افغانستان پژوهش مستقیم کمتر انجام شده است، با این حال پژوهش‌هایی به صورت غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. سینایی و جمالی (۱۳۹۷) به وابستگی متقابل اقتصاد و تجارت افغانستان و ایران و وجود ظرفیت‌ها و مزیت‌های مکمل اقتصادی، فرصت جلب همکاری طرف افغان برای مدیریت اختلافات آبی و با تأکید بر محوریت دیپلماسی اقتصادی پرداخته‌اند. در این پژوهش، با تأکید بر محوریت «دیپلماسی اقتصادی» در سیاست خارجی ایران در افغانستان، راهکارهایی چون صادرات متقابل، ترانزیت کالا، صادرات برق و فناوری آبیاری مکانیزه به افغانستان و تبادل فراورده‌های نفتی با آب، پیشنهاد شده است. همچنین زارع‌زاده مهریزی (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود به ارزیابی ظرفیت‌های تجاری ایران و افغانستان در تقویت تعاملات آبی دو کشور در حوزه آبریز هیرمند پرداخته و بر فرصت‌های همکاری و تعاملات در روابط تجاری و سیاست‌های تشویقی در سطح کلان تأکید کرده است. از نگاه او، تنها راهکار برای توسعه اقتصادی را بازی برد-برد می‌داند.

در زمینه تجارت ایران افغانستان می‌توان به کتاب *تجارت میان ایران و افغانستان، یک دهه ارتباط نوشته فرهنگ (۱۳۹۵)* اشاره کرد که در آن به محتوای تئوریک پیرامون هژمونیک، تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در افغانستان پرداخته و در بخش‌های کوتاهی از آن مباحثی درباره تجارت با ایران از منظر افغانستان آورده شده است. البته این کتاب فاقد داده‌های لازم برای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان است.

قاسمی (۱۳۹۳) راهبردهای اساسی گسترش روابط اقتصادی ایران و افغانستان را بررسی کرده است. او به پیوندهای تاریخی فرهنگی نژادی و تحولات فکری و اجتماعی و تقویت گسترش مناسبات اقتصادی دو کشور اشاره و به شناسایی زمینه‌ها، ظرفیت‌های موجود در راستای اعتلای روابط همکاری‌های

اقتصادی مناسبات پایدار هم‌جواری دو کشور و بهره‌گیری از آن در راستای بازی‌سازی ساختاری اقتصادی توسعه اجتماعی در افغانستان پرداخته است.

قلندری (۱۳۹۲) در بررسی موانع روابط تجاری ایران و افغانستان، به موانعی همچون قومیت‌گرایی افراطی و منفی در افغانستان و توجه‌نکردن به مشترکات دینی، زبانی و دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز نبود دیدگاه استراتژیک در دولت‌مردان دو کشور اشاره کرده است.

حسن‌تاش و صمدی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «تجارت انرژی ایران و افغانستان: تجارب و راهکارها» با اشاره به اینکه از دهه ۱۳۹۰ به بعد باتوجه‌به برقراری روابط دوستانه و دیپلماسی تجاری و نزدیکی دو کشور از نظر سیاسی، تجارت انرژی ایران به افغانستان رشدی هشت برابر داشته است، به تجارت و راهکارهای تقویت تجارت انرژی بین دو کشور پرداخته‌اند.

خسروی و زمانی پور (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «نقش منطقه آزاد چابهار در توسعه روابط اقتصادی ایران افغانستان» نشان داده‌اند که منطقه آزاد چابهار بر توسعه روابط بین‌المللی ایران با همسایگان تأثیر معناداری دارد و در این بین این نقش در روابط تجاری بین ایران افغانستان اهمیت بیشتری داشته است.

اگرچه مقالات و آثار دیگری را نیز می‌توان به این فهرست افزود اما روشن است که در زمینه آینده‌پژوهی تجارت خارجی ایران و افغانستان و سناریوهای مختلف پیش رو کاری انجام نشده است. نوآوری مقاله حاضر در این زمینه است که با استفاده از روش آینده‌پژوهی، تلاش می‌کند سناریوهای مختلف را استخراج و ارزیابی کند تا راهنمایی برای سیاست‌گذاران و مسئولان تجارت خارجی باشد.

معرفی الگو و روش تحقیق

مطالعه حاضر به بررسی عوامل موثر بر تجارت خارجی ایران و افغانستان بر اساس روش‌های جدید آینده‌پژوهی پرداخته است. برای این منظور، در ابتدا با مرور مطالعات انجام شده و گزارش‌ها و اسناد مکتوب، فهرستی از عوامل مؤثر و کلیدی بر تجارت بین ایران و افغانستان تهیه شده که در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. فهرست عوامل مؤثر بر تجارت خارجی ایران و افغانستان

مرز مشترک	سقوط دولت در افغانستان و ظهور مجدد طالبان
فرصت‌های و چالش‌ها و موانع همسایگی	خروج سرمایه‌گذاران از افغانستان
دین و فرهنگ مشترک	خطر جنگ داخلی در افغانستان
زبان	عدم ثبات سیاسی در افغانستان
نقش رودخانه هیرمند در روابط اقتصادی ایران افغانستان	جهت‌گیری دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران
رقابت کشورهای رقیب برای تصرف بازار مصرف افغانستان	فقر گسترده در افغانستان
دخالت فرامنطقه‌ای در افغانستان	زیرساخت‌ها در افغانستان
تحریم‌های اقتصادی	حمل و نقل و توسعه راه‌ها در افغانستان
قطع کمک‌های مالی جهان به افغانستان	دسترسی به انرژی
قدرت خرید داخلی افغانستان	

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله بعدی برای رتبه‌بندی اهمیت این عوامل، با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی، اهمیت دوبه‌دوی عوامل کلیدی از طریق پرسشنامه خبرگانی بررسی شد. در جدول زیر میانگین نمره یا درجه اهمیت هر یک از عوامل آورده شده است.

جدول ۲. امتیازدهی عوامل مؤثر بر آینده تجارت ایران و افغانستان توسط خبرگان.

میانگین	عوامل	میانگین	عوامل
.۶۲	خروج سرمایه گذاران از افغانستان	۳/۵	دین و فرهنگ مشترک
.۸۷	سقوط دولت در افغانستان و ظهور مجدد طالبان	۴/۶۲	رویکرد دولت های ایران
۲/۵	تحریم های اقتصادی ایران	۱/۷۵	مرز مشترک
۱/۷۵	نقش رودخانه هیرمند در روابط اقتصادی ایران افغانستان	۲/۷۸	زبان
۲/۲۵	رقابت کشورهای رقیب برای تصرف بازار مصرف افغانستان	۳/۸۷	قدرت خرید داخلی افغانستان
.۸۷	دخالت های فرامنطقه ی در افغانستان	۵/۱۲	عدم ثبات سیاسی در افغانستان
۱	فقر گسترده در افغانستان	۴/۲۵	زیر ساخت های افغانستان
۱/۳۷	حمل و نقل و توسعه راه ها در افغانستان	۴/۵	فرصت های همسایگی
۱	قطع کمک های مالی جهان به افغانستان	۳/۵	دسترسی به انرژی
		۱	خطر جنگ داخلی در افغانستان

منبع: یافته های پژوهش

در مرحله سوم بعد از مشخص شدن عوامل کلیدی و توصیف گر، باید حالت‌های مختلف هر یک از عوامل کلیدی شناسایی شود. در واقع حالت‌های طراحی شده به نوعی می‌تواند تصویری از آینده تجارت خارجی ایران و افغانستان در هر یک از عوامل کلیدی باشد. بنابراین حالت‌های مختلف عوامل کلیدی احصا شد که در جدول زیر مشاهده می‌شود. در مجموع برای چهار عامل کلیدی مورد مقایسه، دوازده حالت شناسایی شده است.

جدول ۳. حالت‌های مختلف عوامل کلیدی آینده تجارت خارجی ایران و افغانستان

عوامل	حالت	شرح
ثبات سیاسی افغانستان	۱	ثبات سیاسی افزایش می‌یابد
	۲	ثبات سیاسی کاهش می‌یابد
	۳	ثبات سیاسی تغییر نمی‌کند
رویکرد دولت‌ها در ایران	۱	رویکرد به غرب
	۲	رویکرد به شرق
	۳	رویکرد همسایه محوری
فرصت‌های همسایگی	۱	افزایش استفاده از فرصت
	۲	کاهش استفاده از فرصت‌ها
	۳	حفظ وضعیت موجود
زیر ساخت‌های افغانستان	۱	افزایش بهبود زیر ساخت‌ها
	۲	کاهش بهبود زیر ساخت‌ها

حفظ وضعیت موجود	۳	
-----------------	---	--

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از تعیین حالت‌های مختلف عوامل، پرسش‌نامه ماتریسی ساخته شد که سرسرها و سرستون‌های این ماتریس را حالت‌های سه‌گانه هر عامل کلیدی تشکیل می‌دهد. با توجه به این که دوازده حالت برای عوامل کلیدی احصا شده بود، در اینجا ماتریسی با ابعاد 12×12 برای وزن‌دهی تشکیل می‌شود. در ادامه از خبرگان خواسته شد تا بسته به میزان تأثیر رخداد یک حالت بر وقوع حالت دیگر، از ۳- تا ۳+ امتیاز دهد. در نهایت به منظور تحلیل این ماتریس و استخراج سناریوهای مختلف از نرم‌افزار سناریوویزارد^۱ استفاده شد و نرم‌افزار با انجام محاسبات لازم، چهار سناریو را برای آینده تجارت میان ایران و افغانستان معرفی کرد که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۴. پایداری و میزان تأثیر هر سناریو در تجارت خارجی ایران و افغانستان

سناریو	وضعیت	ارزش پایداری ^۲	میزان تأثیر کلی
سناریو ۱	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: افزایش ثبات سیاسی در افغانستان ▪ رویکرد دولت‌ها در ایران: نگاه به شرق ▪ زیرساخت‌های افغانستان: افزایش بهبود 	۰	۱۹

۱. ScenarioWizard

۲. واریانس‌های هر یک از جای‌گشت‌های وارد شده در ماتریس نشان‌دهنده ارزش پایداری است. عدد ارزش پایداری نشان‌دهنده این است که روابط بین حالات متغیرها متناسب بوده و از منطق خاصی پیروی می‌کند. همچنین ارزش پایداری با میزان تأثیر کلی رابط مستقیم دارد. حداقل عدد ناسازگاری قابل قبول یک سناریو صفر است که بدین معناست که هیچ یک از توصیف‌گرهای مربوط به یک سناریو، امتیاز تأثیرات منفی ندارد. به این دسته از سناریوهای قوی گفته می‌شود. همچنین سناریوهای با عدد سازگاری یک سناریوهای باورپذیر هستند.

میزان تأثیر کلی	ارزش پایداری ^۲	وضعیت	سناریو
		<p>زیرساخت‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ استفاده از فرصت‌های همسایگی: افزایش استفاده از فرصت‌های همسایگی 	
۱۵	۱	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: کاهش ثبات سیاسی در افغانستان ▪ رویکرد دولت‌ها در ایران: نگاهی همسایه محور ▪ زیرساخت‌ها در افغانستان: کاهش بهبود زیرساخت‌ها ▪ استفاده از فرصت‌های همسایگی: کاهش استفاده از فرصت‌های همسایگی 	سناریو ۲
۱۳	۱	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: حفظ وضعیت موجود ▪ رویکرد دولت‌ها در ایران: نگاه به غرب ▪ زیرساخت‌ها در افغانستان: وضعیت 	سناریو ۳

میزان تأثیر کلی	ارزش پایداری ^۲	وضعیت	سناریو
		<p>موجود</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ استفاده از فرصت های همسایگی: کاهش استفاده از فرصت های همسایگی 	
۱۷	۰	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: افزایش ثبات سیاسی در افغانستان ▪ رویکرد دولت ها در ایران: نگاه به شرق ▪ زیرساخت های در افغانستان: از افزایش بهبود در زیرساخت ها ▪ استفاده از فرصت های همسایگی: ثبات وضعیت موجود 	سناریو ۴

منبع: یافته های پژوهش

تحلیل نتایج و یافته ها

همان طور که اشاره شد، با توجه به عوامل تأثیرگذار، چهار سناریوی مختلف برای آینده تجارت خارجی ایران و افغانستان توسط نرم افزار سناریو ویزارد استخراج شده است. این سناریوها مبتنی بر عوامل اصلی و پیشران در تجارت خارجی میان دو کشور بوده و سایر عوامل متأثر از این ها هستند.

میزان سازگاری و تأثیر کلی هر یک از این عوامل در این سناریوها بررسی شده است. در ادامه به بررسی و تحلیل هر کدام از آنها می‌پردازیم.

سناریوی اول (مطلوب): افزایش ثبات سیاسی در افغانستان + نگاه به شرق در دولت ایران + افزایش بهبود زیرساخت‌های افغانستان + افزایش استفاده از فرصت‌های همسایگی

این سناریو در وضعیت کاملاً مطلوب است و بهترین وضعیت را برای آینده تجارت خارجی میان ایران و افغانستان ترسیم می‌کند. ثبات سیاسی در افغانستان به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی در توسعه افغانستان به شمار می‌رود و چنانچه تحت شرایطی، این ثبات حاصل شود، افغانستان می‌تواند در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله تجارت خارجی به دستاوردهای بزرگی نائل شود. بدیهی است که ثبات سیاسی افغانستان می‌تواند زمینه امنیت اقتصادی و گسترش تجارت را با همسایه غربی آن یعنی ایران به شدت افزایش دهد.

ثبات سیاسی زمانی که با سیاست‌های شرق‌گرایانه در دولت ایران همراه شود، زمینه‌های افزایش تجارت میان این دو کشور به شدت افزایش پیدا می‌کند. اگرچه سیاست اصولی جمهوری اسلامی توجه ویژه به همسایگان است اما این سیاست با روی کار آمدن دولت‌های مختلف با نوساناتی همراه می‌شود. به‌عنوان مثال، سیاست‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم جمهوری اسلامی در حل مناقشه هسته‌ای از طریق مذاکره با کشورهای غربی و گرایش به افزایش تعاملات اقتصادی با آنها، باعث غفلت از ظرفیت‌های همسایگان و فقدان اهتمام لازم در این زمینه شد. حال اگر دولتی در ایران به قدرت برسد که اولویت اصلی خود را تجارت با همسایگان خود قرار دهد، طبیعتاً افغانستان می‌تواند به‌عنوان کانون توجه جدی قرار بگیرد و تجارت با این کشور افزایش پیدا کند.

عامل دیگر در این سناریو، افزایش زیرساخت‌ها در افغانستان است. نبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی در افغانستان مانع جدی در مسیر ترانزیت بین‌المللی در این کشور به شمار می‌رود. در وضعیت خوش‌بینانه که این زیرساخت‌ها بهبود جدی پیدا کند، انتظار می‌رود تجارت خارجی در این کشور رونق بیشتری پیدا کند.

نهایتاً استفاده بیشتر از فرصت همسایگی و مرزهای جغرافیایی و مؤلفه‌های فرهنگی مشترک میان دو کشور به‌جای توجه به ابرقدرت‌ها و گسترش تعاملات با آنها، می‌تواند تجارت خارجی میان ایران و افغانستان را رونق دوچندان ببخشد.

بنابراین، در حالت مطلوب، باتوجه به افزایش ثبات سیاسی در افغانستان و بهبود زیر ساخت‌های توسعه‌ای از قبیل حمل‌ونقل، دسترسی به انرژی، افزایش قدرت خرید، و افزایش نگاه دولت ایران به سمت شرق، و افزایش استفاده از روابط همسایگی و هم‌مرز بودن، فضا برای افزایش تجارت مهیا می‌شود و این وضعیت به ارتقای مبادلات تجاری و افزایش حجم تجارت کمک می‌کند و زمینه را برای گسترش مبادلات تجاری فراهم می‌کند.

سناریوی دوم (سازگار با روندها): کاهش ثبات سیاسی در افغانستان - نگاه همسایه محوری در دولت ایران - کاهش بهبود زیر ساخت‌ها در افغانستان - کاهش استفاده از فرصت‌های همسایگی

با روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان و تشکیل دولت تک‌جناحی و تک‌قومی، کاهش ثبات سیاسی در بلندمدت و وقوع جنگ داخلی دور از انتظار نیست. فقدان تعامل بین اقوام و گروه‌ها در ساختار سیاسی کشور سبب انشقاق و ازهم‌گسیختگی و بی‌ثباتی سیاسی می‌شود و افغانستان را با تهدیدها و چالش‌های سنگین روبه‌رو می‌کند. این امر می‌تواند تهدیدی برای اقتصاد و تجارت خارجی افغانستان به شمار رود. علاوه بر این، زیرساخت‌های اقتصادی افغانستان که طی چندین سال جنگ داخلی و تهاجم قدرت‌های خارجی، آسیب جدی دیده بود، در دوره اول حاکمیت طالبان به دلیل درگیری‌های این گروه با «مجاهدین» بیش‌تر آسیب دید. با به قدرت رسیدن دوباره طالبان، یک شوک منفی بر اقتصاد افغانستان وارد شده است. تداوم این روندها نشانه‌ای از بهبود در زیرساخت‌ها را به همراه ندارد و با همین روال موجود، به نظر می‌رسد توفیقی در بازسازی و تحول در حمل‌ونقل و ترانزیت رخ ندهد.

از سوی دیگر، گرایش کلی نظام جمهوری اسلامی به سمت تعامل بیشتر با همسایگان بوده است و اگرچه این رویکرد با نوساناتی در دولت‌های مختلف همراه است اما روند کلی چند دهه اخیر حکایت از آن دارد که جهت‌گیری ایران به سمت شرق رو به فزونی دارد.

باین حال، گرایش جمهوری اسلامی به تعامل بیشتر با همسایگان نتوانسته است به‌تنهایی باعث افزایش تجارت خارجی میان دو کشور شود چرا که عوامل پیش‌گفته یعنی افزایش بی‌ثباتی سیاسی و تخریب زیرساخت‌ها در کنار عدم توجه به فرصت‌های همسایگی به‌ویژه از سمت همسایه شرقی که مطابق با روندهای تاریخی دهه‌های اخیر است، مانع از گسترش تعاملات اقتصادی میان این دو کشور شده است.

در نتیجه، با توجه به روندهای تاریخی در این سناریو، تصویر آینده تجارت خارجی میان ایران و افغانستان به دلایل کاهش ثبات سیاسی در افغانستان و عدم بهبود در زیر ساخت توسعه‌ای افغانستان و عدم توجه به ظرفیت همسایگی و هم‌مرزی، مبادلات تجاری میان دو کشور کاهش خواهد یافت. اگرچه نگاه همسایه‌محوری در دولت جمهوری اسلامی ایران زمینه را برای مبادلات تجاری مهیا می‌کند ولی زمینه‌های دیگر برای گسترش و مناسبات تجاری مناسب نیست.

سناریوی سوم (بحرانی): حفظ وضعیت موجود + نگاه به غرب در دولت ایران + حفظ وضعیت موجود در زیر ساخت‌های افغانستان + کاهش استفاده از فرصت‌های همسایگی

این سناریو وضعیت بحرانی را نشان می‌دهد که در آن تمامی عوامل در جهت کاهش تعاملات اقتصادی میان دو کشور است. غلبه این سناریو بر آینده تجارت خارجی ایران و افغانستان می‌تواند روابط تجاری را برای دو کشور بحران‌آفرین کند. برخی از وضعیت‌های حاکم در این سناریو عبارت‌اند: حفظ وضعیت سیاسی در افغانستان و حکومت جناحی تک‌قطبی طالبان، رویکرد اقتصادی و تجاری دولت در ایران به سمت غرب به‌ویژه پس از شهادت شهید رئیسی و روی کار آمدن دولت چهاردهم در ایران، عدم بهبود در زیر ساخت‌های اقتصادی و توسعه‌ای برای گسترش روابط تجاری در افغانستان و همچنین روند کاهشی استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری همسایگی به‌ویژه تحریک احساسات ملیتی و قومیتی در ایران علیه اتباع خارجی. این شرایط همگی در جهت کاهش چشمگیر در تجارت خارجی میان دو کشور است.

سناریوی چهارم (محتمل): افزایش ثبات سیاسی در افغانستان - نگاه دولت ایران به شرق - بهبود وضعیت زیرساخت در افغانستان - ثبات وضعیت موجود در استفاده فرصت‌های همسایگی (سناریو محتمل)

سناریوهای محتمل سناریوهایی هستند که بیشترین کاربرد را در آینده پژوهی دارند و بیشتر محققان به این سناریوها توجه بیشتری دارند چون از احتمال وقوع بیشتری برخوردارند. با توجه به وضعیت ثبات نسبی ایجاد شده در افغانستان و تغییر رویکرد طالبان از برخوردهای متعصبانه به شیوه‌های مدنی‌تر انتظار می‌رود ثبات سیاسی در افغانستان بهبود پیدا کند. همچنین، تجربه تاریخی ایران در ناکامی در تعامل با غرب و گرایش به سمت تجارت با همسایگان و کشورهای شرقی باعث شده است حتی دولت‌های غرب‌گرا نیز به این سمت سوق داده می‌شوند. رویکرد واقع‌بینانه طالبان در افغانستان احتمالاً می‌تواند منجر به بهبود زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی و تجاری در افغانستان شود. حرکت به سمت

منطقه‌گرایی در اقتصاد بین‌الملل و تمایلات نسبتاً رو به گسترش برای استفاده از ظرفیت‌های مشترک هم‌مرزی، زبانی و فرهنگی نیز می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تجارت خارجی شود. از این رو می‌توان گفت با ویژگی‌ها و شرایط کنونی تجارت خارجی ایران و افغانستان این سناریو احتمال وقوع بیشتری دارد. با توجه به ثبات سیاسی و نگاه به شرق در دولت ایران و همچنین فراهم شدن زیرساخت‌های لازم برای روابط تجاری این سناریو، در واقع به مثابه محتمل‌ترین سناریوی قابل پیش‌بینی برای آینده تجارت خارجی میان ایران و افغانستان است. با این حال، نگاهی به تاریخچه مبادلات تجاری میان ایران و افغانستان نشان می‌دهد در وضعیت واقع‌بینانه و سناریوی محتمل، اگرچه زمینه افزایش تجارت خارجی وجود دارد اما این افزایش نمی‌تواند چندان چشمگیر و درخور توجه باشد.

سناریو	وضعیت	ارزیابی سناریو
سناریو ۱	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: افزایش ثبات سیاسی در افغانستان ▪ رویکرد دولت‌ها در ایران: نگاه به شرق ▪ زیرساخت‌های افغانستان: افزایش بهبود زیرساخت‌ها ▪ استفاده از فرصت‌های همسایگی: افزایش استفاده از فرصت‌های همسایگی 	مطلوب و خوش‌بینانه
سناریو ۲	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: کاهش ثبات سیاسی در افغانستان ▪ رویکرد دولت‌ها در ایران: نگاهی همسایه محور ▪ زیرساخت‌ها در افغانستان: کاهش بهبود زیرساخت‌ها ▪ استفاده از فرصت‌های همسایگی: کاهش استفاده از فرصت‌های همسایگی 	سازگار با روندهای تاریخی

سناریو	وضعیت	ارزیابی سناریو
سناریو ۳	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: حفظ وضعیت موجود ▪ رویکرد دولت‌ها در ایران: نگاه به غرب ▪ زیرساخت‌ها در افغانستان: وضعیت موجود ▪ استفاده از فرصت‌های همسایگی: کاهش استفاده از فرصت‌های همسایگی 	بحرانی و بدبینانه
سناریو ۴	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ثبات سیاسی در افغانستان: افزایش ثبات سیاسی در افغانستان ▪ رویکرد دولت‌ها در ایران: نگاه به شرق ▪ زیرساخت‌های در افغانستان: از افزایش بهبود در زیرساخت‌ها ▪ استفاده از فرصت‌های همسایگی: ثبات وضعیت موجود 	محتمل و واقع‌بینانه

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی سناریوهای آینده تجارت خارجی ایران و افغانستان انجام شده است. بدین منظور در ابتدا از طریق مرور تحلیلی پیشینه اسناد موجود از کتب و مقالات و گزارش‌ها گرفته تا آمارنامه‌ها، پیشران‌های کلیدی اثرگذار روی آینده تجارت خارجی ایران و افغانستان استخراج شد. از میان ۱۹ پیشران استخراج شده، ۱۵ عامل کنار گذاشته شد. ۴ پیشران باقی مانده با استفاده از نرم افزار سناریو و یزارد مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت و چهار سناریو استخراج شد. این سناریوها عبارت بودند از: (۱) سناریوی خوش‌بینانه و مطلوب: افزایش ثبات سیاسی در افغانستان، نگاه به شرق در دولت ایران، افزایش بهبود زیرساخت‌های افغانستان، افزایش استفاده از فرصت‌های همسایگی؛ (۲) سناریوی

سازگار با روندهای تاریخی: کاهش ثبات سیاسی در افغانستان، نگاه همسایه‌محوری در دولت ایران، کاهش بهبود زیرساخت‌ها در افغانستان، کاهش استفاده از فرصت‌های همسایگی؛ (۳) سناریوی بحرانی و بدبینانه: حفظ وضعیت سیاسی موجود در افغانستان، روی کار آمدن دولت غرب‌گرا در ایران، حفظ وضعیت موجود در زیرساخت‌های افغانستان و کاهش استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های همسایگی؛ (۴) سناریوی محتمل و واقع‌بینانه: افزایش ثبات سیاسی در افغانستان، نگاه دولت ایران به شرق، بهبود وضعیت زیرساخت در افغانستان، ثبات وضعیت موجود در استفاده فرصت‌های همسایگی. در نظر گرفتن مجموعه این سناریوها می‌تواند راهنمای خوبی برای سیاست‌گذاران تجارت خارجی و تعاملات اقتصادی میان دو کشور باشد و با رصد عوامل مختلف اثرگذار بر هر سناریو، در جهت شرایط مطلوب حرکت کنند.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- اتاق بازرگانی ایران (۱۳۹۹). سالنامه آماری
- معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران (۱۴۰۲)، «نگاهی به وضعیت تجارت کشور افغانستان» قابل دسترسی از طریق پیوند: https://www.tccim.ir/downloadfile?file=fl_afghanistan2.pdf&source=ec مراجعه شده در تاریخ ۴ تیر ۱۴۰۳.
- ادوای، مظهر (۱۳۹۳)، «روابط اقتصادی ایران و افغانستان در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ ش.)، صادرات و واردات»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره، ۵۸ - ۵۹، صص ۱۶۹ - ۱۳۳.
- ایران‌زاده، سلیمان (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان» مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جابری، جمشید (۱۳۹۹)، «بررسی حضور ایران در خاورمیانه در دهه نود و تاثیر آن بر جذب سرمایه گذاری در ایران» پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز پیام نور رشت، استان گیلان.
- حقجو، روح الله (۱۳۹۸). «شناسای و رتبه بندی چالش‌های تجارت ایران و افغانستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام. ص ۱۴.
- حقیقی، محمد. (۱۳۹۱). «بازرگانی بین‌الملل (نظریه‌ها و کاربردها)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حیدری، امیرهوشنگ (۱۳۹۳)، «آینده پژوهی»، کتاب ماه، اطلاعات ارتباطات و دانش‌شناسی، سال هفدهم، شماره ۴. فروردین.
- خزایی، سعید و محمودزاده، امیر (۱۳۹۲)، آینده‌پژوهی، اصفهان، نشر پارس

- خوش مردان، علی (۱۴۰۰)، «روابط ایران و افغانستان (با تأکید مرادوات تجاری)»، امنیت اقتصادی س ۱۴۰۰، دوره ۹، شماره ۹.
- دیکسون، آنا (۱۹۹۷) «توسعه و روابط بین الملل» مترجم دکتر حسین پور احمدی، تهران، ۱۳۸۷.
- ذاکری نیا، محمد (۱۴۰۲)، «چالش‌ها و راهبردهای روابط تجاری ایران و افغانستان»، ماهنامه علمی «امنتی اقتصادی» س ۱۱، شماره ۷.
- رضایی، ایمان (۱۴۰۰)، «مروری بر روش‌شناسی آینده‌پژوهی: معرفی روش‌های عمده پژوهش در باب آینده»، نشریه مطالعات آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، دوره ۷، شماره ۲، صص ۴۳ تا ۶۳.
- سینایی، وحید و جمالی، جواد (۱۳۹۷)، «دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸.
- عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید (۱۳۸۹)، «کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۳، صص ۲۲۹-۱۹۵.
- عرب پور، امیر حسین (۱۳۹۹)، «راهبرد سیاست خارجی دولت دوازدهم در توجه به دیپلماسی اقتصادی و بازارهای منطقه در دوران افزایش تحریمها و فشارهای اقتصادی»، دفتر مطالعات دیپلماسی اقتصادی.
- عسکر کرمانی، حامد، صفار، آرش (۱۴۰۱)، «پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۵.
- فرهنگ، عبدالهادی (۱۳۹۵) تجارت میان افغانستان و ایران؛ یک دهه ارتباط، تهران عرفان.
- قلندری سردار (۱۳۹۲) «بررسی موانع توسعه روابط تجاری ایران و افغانستان»، ((پایان‌نامه) دانشگاه بین‌المللی امام خمینی دانشکده علوم اجتماعی.
- کمبجانی، علی، عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۹)، «سیمای پارادایمی آینده‌پژوهی: ازبازخوانی تا بازنمایی آینده‌های یکبارچه»، فصلنامه علمی روش‌شناسی علوم انسانی زمستان ۹۹ س ۲۶، شماره ۱۰۵.
- گوهری فر، مصطفی، آذر، عادل، مشبکی، اصغر (۱۳۹۴)، «ارائه تصویر آینده سازمان با استفاده از رویکرد برنامه ریزی سناریو (مورد مطالعه: مرکز آمار ایران)، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دهم، شماره ۳۸.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۷)، «توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری نهادگرایی و روش‌شناسی»، سازمان سمت.
- مرتضی پور، زهرا (۱۳۹۸)، «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه اکوتوریسم محور گردشگری خرم آباد- پلدختر با راهبرد برنامه ریزی سناریو مبنا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان.
- مرحمتی، علی (۱۳۹۱)، «ارائه چارچوبی برای آینده پژوهی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی خواجه نصرالدین طوسی.
- مرکز آموزش و پژوهش‌های اقتصادی و اجتماعی افاق بازرگانی فارس، (۱۴۰۰). شماره گذارش، ۰۱/۳۸.
- نبی زاده، کبرا (۱۳۹۱)، «شناسایی عوامل مؤثر بر روابط تجاری ایران و افغانستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت تهران.
- نیرآبادی، معصومه (۱۳۸۹)، «روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران و افغانستان در دوره پهلوی اول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی،
- یوسف‌زهی، ناصر، حمیدی، سمیه (۱۳۹۶)، «نقش بازی بزرگ در شکنندگی تعاملات خارجی دولت قاجار». فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال ۱۸، شماره ۷۲، صص ۱۳۸-۱۰۷.

- یوسفزهی، ناصر، و همکاران (۱۳۹۷) «آسیب شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی ۲۰۰۱-۲۰۱۸» پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۲، بهار.

منابع انگلیسی:

- Ades, A., Glaeser, E.L. (1999); "Evidence on Growth, Increasing Returns and the Extent of the Market", Quarterly Journal of Economics, 114(3): 1025- 1046

